

هاشم اندیشه

دانشجوی دکترا

hashem.andisheh@gmail.com

احمد عابدی

هیات علمی و دانشیار دانشگاه قم

yas.andisheh@gmail.com

آثار تربیتی تبرّی در قرآن و حدیث

چکیده

«تبرّی» یکی از واجبات شرعی و فروع دین است که همیشه همراه با تولّی ذکر می‌شود و به معنی اعلام بی‌زاری از دشمنان خدا، انبیا و اولیای او به‌ویژه نبی مکرم اسلام^(ص) و امامان معصوم^(ع) است. دین اسلام با برخورداری از منابع گران‌بهای «قرآن و سنت»، برنامه‌ی تربیتی همه‌جانبه‌ای را به جهانیان عرضه می‌کند. از نظر اسلام، زندگی و سعادت فرد مسلمان و اُمت اسلامی در گرو شناخت فریضه‌ی «تولّی و تبرّی» و التزام به آن است. پژوهش حاضر بر موضوع آثار تبرّی در قرآن و حدیث متمرکز است که با جمع‌آوری اطلاعات از روش فیش‌برداری و مطالعه‌ی منابع کتابخانه‌ای، به شیوه‌ی توصیفی-تحلیلی تدوین شده است. دستاوردها و نتایج این پژوهش، بررسی برخی از آثار تربیتی تبرّی در قرآن و حدیث است که عبارتند از: تقویت ایمان، تعالی اخلاق و صفات انسانی و دوری از زشتی‌ها، خروج از ظلمات کفر به نور ایمان، مکمل ایمان، همگونی در اخلاق و رفتار و مشخص شدن دوستان خدا از دشمنان او که سبب عروج انسان و قرب الهی و رهروی اهل‌بیت^(ع) می‌شوند.

واژگان کلیدی:

تبری، آثار تبری، قرآن و حدیث،

تربیت اسلامی، زیارت عاشورا.

ما در اسلام دو اصل به نام تولی و تبری داریم؛ به تعبیر دیگر، «حَبَّ فِی اللّهِ» و «بَغْضَ فِی اللّهِ» که در واقع، هر دو به یک حقیقت اشاره دارند. بر اساس این دو اصل ما موظفیم دوستان خدا را دوست بداریم و دشمنان خدا را دشمن. یک مسلمان صمیمی و پایبند به مذهب نمی‌تواند در دل، نسبت به موافقان و مخالفان عقیدتی خود، احساس یکسانی داشته باشد؛ زیرا لازمه‌ی اعتقاد راستین به یک مکتب، جانب‌داری و دفاع از آن و علاقه به پیشوایان و نفرت و دوری از مخالفانش است که اگر شخص مکتبی چنین حسی نداشته باشد، بی‌شک مخالفان از نوعی ضدیت و دشمنی نسبت به او و مکتبش خالی نخواهند بود، چنان‌که در رویدادهای تربیتی و سیاسی و اجتماعی کنونی هم می‌بینیم.

افزون بر این، دین اسلام نیز که برای هدایت انسان در همه‌ی اعصار نازل شده و هماهنگ با فطرت و نظام تکوین است، به این اصل اساسی عامل بقاء و زندگی انسان توجه کرده است؛ از این رو، ایمان و دین را جز حبّ و بغض و دوستی و دشمنی ندانسته است که با دوستی حق و حق‌پرستان و دشمنی باطل و باطل‌پرستان آدمی می‌تواند زندگی حقیقی و انسانی خود را حفظ کند.

پی بردن به ارزش تولی و تبری در تربیت آدمیزاد و تعیین مسیر فکری و گرایش قلبی‌اش و نیز وجود خلأ و کم‌توجهی به تبری در میان جوامع اسلامی علت اصلی نگارش این پژوهش به‌شمار می‌آید.

در اهمیت و اهداف پژوهش می‌توان گفت: آموزه‌ی تولی و تبری، یکی از تعالیم و حقایقی است که اسلام و قرآن ما را به آن فراخوانده است و انسان مسلمان و مؤمن باید آن را بپذیرد و زندگی دینی و ایمانی خود را بر آن اساس شکل دهد؛ یعنی انسان مؤمن نه‌تنها باید خدا و پیامبر و اولیاء الهی را دوست داشته باشد، بلکه باید آنان را ولی خود قرار دهد و نه‌تنها باید شیطان و اولیاء شیطان و طاغوت را دشمن بدارد، بلکه باید از آنان جدا شود و میان خود و آنان گسست و فاصله ایجاد کند. موضوع تبری نه‌تنها از فروع ممتاز دین اسلام است، بلکه از اصل‌های مهم تربیتی آن نیز به‌شمار می‌رود و ما هم به این سبب به آن پرداخته‌ایم.

هدف از این پژوهش، پاسخ به چند پرسش درباره‌ی تبری است: حقیقت تربیتی تبری چیست؟ نسبت به چه کسانی باید تبری داشته باشیم؟ چرا باید اهل تبری باشیم؟ نقش تربیتی تبری در قرآن و حدیث و زیارت عاشورا چیست؟

پیشینه‌ی پژوهش

درباره‌ی پیشینه و تاریخچه‌ی بررسی آثار تربیتی تبری در قرآن و حدیث، پژوهش‌هایی صورت گرفته است؛ اما مطالعات تطبیقی در این زمینه و به‌صورت خاص درباره‌ی روش تربیتی مبتنی بر آیات و روایات و زیارت عاشورا، کمتر انجام شده است که به چند نمونه از آنها به‌طور مختصر اشاره می‌شود. آثار پدید آمده درباره‌ی تبری را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد:

دسته‌ی نخست، تفاسیری است که مفسران، آیات مربوط به تبری را ذکر می‌کنند و با آیات دیگر و روایات درباره‌ی آیه، در ذیل آن آیه، به تفسیر آیه می‌پردازند. آثاری مانند تفسیر القمی،

مجمع‌البیان، الصافی، نور الثقلین، الدر المنثور، روح المعانی، المیزان، تفسیر نمونه از این دسته‌اند. دسته‌ی دوم، آثاری هستند که معمولاً کتب و اسناد روایی به‌شمار می‌روند که آیات و روایات مربوط به تبری هم در آن کتب و اسناد بررسی شده و آیه‌ی مدنظر نیز در کنار سایر آیات، مورد بحث قرار گرفته است. آثاری همچون الکافی، عیون اخبار الرضا، الأمالی، الإحتجاج، وسائل الشیعة، بحارالانوار در این دسته قرار می‌گیرند.

دسته‌ی سوم، مقالات هستند. درباره‌ی تبری، مقالات متعددی نگارش یافته است که می‌توان به مقاله‌ای با عنوان «بررسی تولی و تبری در اسلام و مهجوریت آن در امت اسلامی» اثر محمدرضا ابراهیم‌نژاد اشاره کرد. نگارنده مهجوریت فریضه‌ی «تولی و تبری» در میان مسلمانان و غفلت و بی‌تفاوتی امت اسلامی نسبت به آن و خسارت‌ها و زیان‌هایی را بیان می‌کند که از این ناحیه بر اسلام و مسلمانان وارد شده است؛ اما به ابعاد تربیتی آن نمی‌پردازد. مقاله‌ی دیگر «تولی و تبری از منظر قرآن و روایات» نوشته‌ی مهدی رحمانی است. در این مقاله، تولی و تبری از منظر قرآن و روایات بررسی شده و با استفاده از کتب تفسیری و روایی، نگاه قرآن و روایات را درباره‌ی این دو فرع مهم دین به بحث گذاشته؛ اما به همه‌ی ابعاد اشاره نشده است. در پژوهش «آثار تربیتی تبری در قرآن و حدیث» به آثار تبری در آیات، روایات فریقین، زیارت عاشورا و تفاسیر فریقین و... پرداخته شده که در منابع یادشده به برخی از این امور اشاره شده است.

روش پژوهش

در مقاله‌ی حاضر، برای جمع‌آوری اطلاعات از روش فیش‌برداری و مطالعه‌ی منابع کتابخانه‌ای و شیوه‌ی توصیفی-تحلیلی استفاده شده است. به این منظور، منابع موجود مربوط به موضوع بحث شناسایی و اطلاعات موردنیاز جمع‌آوری شده، سپس با توجه به مبانی نظری بحث، به توصیف و تجزیه و تحلیل داده‌ها پرداخته شده است.

۱. مفهوم‌شناسی

در این بخش به مفهوم‌شناسی واژگان کلیدی پژوهش پرداخته می‌شود:

۱-۱. تبری در لغت

«تبری» مصدر باب تفعّل و از ریشه «برأ» است. این واژه در کتب لغت، به معانی گوناگونی آمده که ما به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

«الخلق: یقال برأ الله الخلق یروؤهم براء»؛ یکی از معانی آن آفریدن است. گفته می‌شود خداوند مخلوقات را آفرید، می‌آفریند ایشان را آفریدنی (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۱۱۱؛ فیروزآبادی، ۱۴۱۹، ص ۴۶؛ فراهیدی، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۱۴۵؛ راغب اصفهانی، ۱۴۰۴، ص ۱۲۱)؛ همچنین گفته شده است «التباعد من الشی و مزایلت»؛ رهایی از هر چیزی که مجاورتش اکراه آور است رهایی و خلاص شدن از امری نامیمون، «برأئ من فلان»؛ یعنی از شر فلانی نجات یافتیم؛ به‌عنوان مثال، نجات از بیماری

و عافیت از درد مزمن را با «برء من المرض» تعبیر می‌کنند. هنگامی که گفته می‌شود: «بَرءَ مِنْ مَرَضٍ»؛ یعنی بهبود یافت و به عافیت رسید (همان).
پس تبرّی در لغت، به معنای خلق و آفریدن، نجات، رهایی، خلاص شدن است.

۲-۱. تبرّی در اصطلاح

تبرّی در اصطلاح به گونه‌های مختلفی تعریف شده است. علامه طباطبایی بر این باور است که «در فرهنگ قرآن، "تبرّی" به معنای کناره‌کشی و بیزاری از هر چیزی است که مجاورت با آن مورد کراهت است. "بَرَاءَةٌ مِّنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ مِّنَ الْمُشْرِكِينَ" (توبه، ۱). این آیات اعلام بیزاری از سوی خدا و پیامبر او، به کسانی از مشرکان است که با آنان عهد بسته‌اید» (طباطبایی، ۱۳۷۷، ج ۷، ص ۱۵۰).

آیت‌الله مکارم شیرازی می‌فرماید: «تبرّی، همان بغض فی‌الله است و نقطه‌ی مقابل حبّ فی‌الله است» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۳۶۸ و ۳۶۶). وی در جای دیگری می‌گوید: «تبرّی، قطع علاقه و پیوند با دشمنان حق و بیزاری از دشمنان حق است» (همان، ص ۳۷۱ و ۳۷۵).

استاد شهید مطهری تبرّی را چنین تعریف می‌کند: «تبرّی یعنی بغض عقلی ناشی از یک نوع درک و در حقیقت ناشی از علاقه به سرنوشت انسان دیگری است که موردعلاقه واقع شده است» (مطهری، ۱۳۷۷، ج ۳، ص ۲۶۰).

علامه مجلسی بر این باور است: «"تبرّی" به معنای "بیزاری" از دشمنان خدا و دشمنان اولیاء الهی و بالأخص ائمه‌ی هدی، در روایات بسیار به کار رفته است و برخلاف قرآن که لفظ "برائت" تنها درباره‌ی دشمنان خدا و معبودهایشان به کار می‌برد، در حدیث، درباره‌ی دشمنان اولیاء الهی نیز کاربرد دارد و بیزاری جستن از دشمنان اهل بیت علیهم‌السلام، در لسان احادیث، بیشترین استعمال را دارد و در بسیاری از این احادیث، برائت مایه‌ی تقرب به خداوند معرفی شده است» (مجلسی ۱۴۰۳، ج ۱۰۲، ص ۱۶۴).
پس تبرّی در این مقاله، همان بغض فی‌الله و نقطه‌ی مقابل حبّ فی‌الله و به معنای بیزاری جستن از دشمنان خدا و دشمنان اولیاء الهی و به‌ویژه ائمه‌ی هدی^(ع) است.

۳-۱. تربیت اسلامی

در تعریف تربیت اسلامی آمده است: جریانی از یک سلسله فعالیت‌های مستمر آموزشی و تهذیبی ویژه‌ی فرزندان مسلمان که برای کسب برخی نگرش‌ها، درونی شدن برخی باورها و تثبیت برخی ارزش‌ها و هنجارها در همه‌ی جوانب زندگی فردی و اجتماعی صورت می‌گیرد. این جریان مستمر تربیتی در نقطه‌ی اوج خود، به التزام عملی و دل‌بستگی عمیق یادگیرنده منتهی می‌شود و سبب تطبیق کردارها و گفتارهای او با هنجارهای اخلاقی و احکام دینی می‌گردد. این تعریف از تربیت اسلامی مشابه تعریف‌های عامی است که از تربیت دینی میان فرقه‌ها و مذاهب مختلف رواج داشته و با طیفی از روش‌های متنوع تربیتی از قبیل روش‌های الگویی، روش‌های مبتنی بر انتخاب تشویقی و یا حتی تلفیقی از چند روش همراه بوده است (علم‌الهدی، ۱۳۸۴، ص ۱۷۰؛ بیطرفان، ۱۳۹۶، ص ۱۳).

علاوه بر این دو برداشت نسبتاً رایج از تربیت اسلامی، تعریف دیگری نیز مطرح می‌شود که عبارت است از: یک نظریه یا دکترین تربیتی که بر اساس اصول عقاید و مبانی ارزشی اسلام بنا شده و درصدد ارائه‌ی پیشنهادهایی برای هدایت همه‌ی مردم و تدارک یک جامعه‌ی سالم است (همان)؛ در نتیجه، منظور از تربیت اسلامی، تطابق کردارها و گفتارهای انسان با هنجارهای اخلاقی و احکام دینی و عقاید و مبانی ارزشی اسلام است که موجب هدایت و تعالی آدمی در رسیدن به عروج الهی می‌شود.

۴-۱. آموزه‌های قرآن و حدیث

منظور از آموزه‌های قرآن و حدیث، مجموعه برنامه‌های آموزشی و پرورشی خرد و کلان در متون قرآنی و روایی است که به صورت گفتارها، ارشادها، اوامر و نواهی، خداوند در قرآن، سیره‌ی عملی رسول اکرم و ائمه برای به فعلیت درآوردن استعدادهای سرشتی آدمیان و هموار ساختن مسیر رشد و تعالی و سعادت دنیا و آخرت آنان به دست ما رسیده است (فقیهی، ۱۳۹۳، ص ۳۴). در تعریف دیگر آمده است: منظور از آموزه‌های قرآن و حدیث، انجام فعالیت‌های آموزشی و پرورشی است که زمینه‌ساز رشد و ارتقای توانمندی‌های فطری در حوزه‌ی صفات و عملکردهای ارزشی است و روابط شخص با خدا، خود، دیگران و طبیعت را به طور مطلوب، سامان می‌دهد و وی را به حیات طیبه و سعادت جاوید می‌رساند (همان، ص ۳۶ و ۳۷). پس منظور از آموزه‌های قرآن و حدیث، مجموعه برنامه‌ها و انجام فعالیت‌های آموزشی و پرورشی در متون قرآنی و روایی است که موجب سعادت و رسیدن به حیات طیبه و رشد معنوی انسان در دنیا و آخرت می‌شود.

۲. آثار تربیتی تبری از منظر قرآن و حدیث

اسلام مشکل اساسی عشق و محبت را بدین وسیله حل می‌کند که محبوب و معشوق را خود تعیین می‌نماید و این نیرو و غریزه را به مهار درمی‌آورد و اجازه نمی‌دهد به دنبال هر چیزی برود و هر که را خواست، دوست بدارد. اسلام شرایط و ویژگی‌های لازم عشق و محبت و اینکه شخص چه کسی را دوست داشته باشد یا دشمن بدارد، به همراه ویژگی‌های آنها را معرفی می‌کند؛ لذا کسی که پیرو اسلام است، حب و بغض او مهار شده است و نمی‌تواند هرکس را با شرایط و ویژگی‌هایی دوست بدارد و به هر چیزی عشق بورزد، بلکه باید منحصراً حب و بغضش برای خدا باشد که در آموزه‌های دینی، به موضوع تربیتی تبری اشاره شده است و ما برخی از آنها را بیان می‌کنیم:

۱-۲. تقویت ایمان

یکی از آثار تربیتی «تولی و تبری» یا «حَبِّ فی الله و بغض فی الله»، تقویت ایمان به خداست و این چیزی است که ما برای تکامل روحی و معنوی و حفظ سلامت جامعه به آن نیاز داریم.

تولی در اسلام به قدری با اهمیت تلقی شده که از آن به عنوان محکم‌ترین دستگیره ایمان یاد شده است. از امام صادق (ع) نقل شده است: «روزی پیامبر (ص) به یارانش فرمود: "کدام یک از دستگیره‌های ایمان محکم‌تر و مطمئن‌تر است؟" یاران عرض کردند: "خدا و رسولش آگاه‌تر است." و برخی گفتند: "عماز" و برخی گفتند: "زکات" و برخی "روزه" و برخی "حج و عمره" و برخی "جهاد"! رسول خدا (ص) فرمود: "همه‌ی آنچه را گفتید دارای فضیلت است؛ ولی پاسخ سؤال من نیست. محکم‌ترین و مطمئن‌ترین دستگیره‌های ایمان، دوستی برای خدا و دشمنی برای خداست و دوست داشتن اولیاء الله و تبری از دشمنان خدا» (کلینی، ۱۳۸۱، ج ۲، ص ۱۲۵).

پیغمبر اکرم (ص) نخست با این پرسش مهم، افکار مخاطبان را در این مسئله‌ی سرنوشت‌ساز به جنب و جوش درآورد - و این کاری بود که پیامبر (ص) گاه پیش از القاء مسائل مهم انجام می‌داد. گروهی اظهار بی‌اطلاعی کردند و گروهی با شمردن یکی از ارکان مهم اسلام پاسخ گفتند؛ اما پیامبر (ص) در عین تأکید بر اهمیت آن برنامه‌های مهم اسلامی، سخنان آنان را نفی کرد؛ سپس افزود: مطمئن‌ترین دستگیره ایمان، حب فی الله و بغض فی الله است.

تعبیر به «دستگیره» در اینجا، گویا اشاره به این است که مردم برای وصول به مقام قرب الی الله، باید به وسیله‌ای چنگ بزنند و بالا بروند که از همه مهم‌تر و مطمئن‌تر، دستگیره‌ی حب فی الله و بغض فی الله است.

این به خاطر آن است که پیوند محبت به دوستان خدا و اقتدا و تأسی به اولیا، عاملی برای حرکت در همه‌ی زمینه‌های اعمال خیر و صفات نیک و تربیت اسلامی است. به تعبیر دیگر، هر دو در یکدیگر تأثیر متقابل دارند، با این تفاوت که آغاز کار باید از ایمان به مبدأ و معاد شروع شود و تکامل آن از «حب فی الله و بغض فی الله» حاصل گردد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۳۷۰).

خداوند متعال در این باره می‌فرماید: «لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَوْ كَانُوا آبَاءَهُمْ أَوْ أَبْنَاءَهُمْ أَوْ إِخْوَانَهُمْ أَوْ عَشِيرَتَهُمْ أُولَئِكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ وَأَيَّدَهُم بِرُوحٍ مِّنْهُ وَيُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ أُولَئِكَ حِزْبُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (مجادله، ۲۲)؛ هیچ قومی را نمی‌یابی که به خدا و روز رستخیز ایمان دارند [و] با دشمنان خدا و رسولش دوستی کنند، هرچند پدران یا فرزندان یا برادران یا خویشاوندانشان باشند. آنان کسانی هستند که خدا ایمان را بر صفحه دل‌هایشان نوشته و با روحی از سوی خویش آنان را تقویت کرده است و آنان را در باغ‌هایی از بهشت وارد می‌کند که نهرها از زیر (درختانش) جاری است، جاودانه در آن می‌مانند. خدا از آنان خشنود است و آنان نیز از خدا خشنودند. آنان "حزب الله" اند. بدانید "حزب الله" پیروان و رستگاران اند.»

از آثار تربیت اسلامی آیه‌ی فوق این است که هنگام قرار گرفتن بر سر دوراهی «حفظ پیوندهای الهی» و «حفظ پیوندهای خویشاوندی» و اینکه کدام را باید مقدم شمرد، با صراحت می‌گوید: اگر نزدیک‌ترین خویشاوندان از راه خدا منحرف شوند و به کفر و فساد آلوده گردند، باید از آنان برید و به خدا و ارزش‌های والای الهی انسان پیوست (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸، ج ۱۹، ص ۹۲؛ سیوطی و محلی، ۱۴۱۶، ص ۵۴۸؛ حقی، بی‌تا، ج ۹، ص ۴۱۲؛ آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۱۴، ص ۸۲۲).

قابل توجه اینکه با دو جمله‌ی بسیار پرمعنی (أُولَئِكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ وَأَيَّدَهُم بِرُوحٍ مِّنْهُ؛ آنان کسانی هستند که خدا ایمان را بر صفحه‌ی قلوبشان نوشته و با روح الهی آنان را تقویت کرده است) بر این مسئله تأکید می‌کند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۳۷۷-۳۷۸).

در بعضی از تفاسیر، نظرات دیگری درباره‌ی این آیه آمده است؛ از جمله: برخی از مفسران بر این باورند که این آیه، تفاوت میان حزب اللّه و حزب شیطان را نشان می‌دهد و اینکه راه رسیدن به خدا چنگ زدن به راه اوست (شاذلی، ۱۴۱۲، ج ۶، ص ۳۵۱۵). از سیوطی درباره‌ی این آیه از ابن عباس نقل شده است: برای خدا دوست داشتن و برای او دشمن داشتن و به خاطر وی دشمنی کردن و برای او دوستی کردن، انسان را به ولایت خداوند می‌رساند (سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۶، ص ۱۸۶).

این اصل قرآنی و اسلامی و تربیتی، در همه‌ی مسائل زندگی انسان، اعم از مسائل فردی و اجتماعی و دنیوی و اخروی تأثیر مستقیم دارد و در مسائل اخلاقی نیز که مورد بحث ما است، اثر فوق‌العاده‌ای بر جای می‌گذارد. مؤمنان را می‌سازد، آنان را تهذیب می‌کند و به ایشان تعلیم می‌دهد که در هر گام، نیکان و پاکان به‌ویژه پیامبر اکرم^(ص) و امامان معصوم^(ع) را اسوه و قدوه و سرمشق خود قرار دهند و این از گام‌های مؤثر برای وصول به هدف آفرینش انسان یعنی تهذیب نفس و پرورش فضائل اخلاقی است.

در زیارت عاشورا می‌خوانیم: «بَرِئْتُ إِلَى اللَّهِ وَ إِلَيْكُمْ مِنْهُمْ وَ مِنْ أَشْيَاعِهِمْ وَ أَتْبَاعِهِمْ وَ أَوْلِيَائِهِمْ؛ به سوی خدا و شما، از گروه و پیروان و دوستان آنان بی‌زاری می‌جویم.» «أَشْيَاعٍ» جمع «شیع» جمع «شیعه» به معنای همراهی است (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۱۲۰). «أَتْبَاعٍ» جمع «تبع» به معنای تابع و پیرو است (فراهیدی، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۱۷۸). «أَوْلِيَاءٍ» جمع «ولی» به معنای دوست و هم‌عقیده است (فیروزآبادی، ۱۴۱۹، ص ۷۵؛ راغب اصفهانی، ۱۴۰۴، ص ۱۵۵).

هر چه آدمی از دشمنان الهی دورتر شود و حجاب‌های اُموی را بیشتر کنار زند، بیشتر به دوستی حق و پاکان و نیکان دست می‌یابد؛ زیرا زدودن دل، از دشمنان الهی، باعث جایگزین شدن محبت دوستان الهی و درنهایت، حضور عشق الهی در آن است و این نشانگر تربیت الهی- اسلامی است (مصدقیان، ۱۳۸۳، ص ۹۳)؛ بنابراین، با احیاء و تقویت ایمان، اصول دیگر نیز زنده و تقویت می‌شوند و با ترک این اصل، سایرین نیز تضعیف یا نابود می‌گردند. نکته‌ی قابل توجه اینکه تولی و تبرّی که نوعی حب و بغض هستند، با ایمان ارتباط تنگاتنگ دارند؛ زیرا «حَبٌّ فِي اللَّهِ وَ بَغْضٌ فِي اللَّهِ» از ایمان سرچشمه می‌گیرد و تداوم تکامل ایمان هم از آنهاست.

۲-۲. تعالی اخلاق و صفات انسانی و دوری از زشتی‌ها

هر انسانی از نظر خطّ و ربط اجتماعی و خلق و خو و صفات انسانی و همچنین سرنوشت نهایی در روز رستاخیز، با کسانی خواهد بود که به آنان عشق می‌ورزد و پیوند محبت دارد و این نشان می‌دهد که مسئله‌ی «تولی و تبرّی» یا همان «حب و بغض» در مباحث اخلاقی و تربیتی، سرنوشت‌ساز و سبب تعالی منش و صفات انسانی و دوری از زشتی‌ها است.

در حدیثی از امام صادق^(ع) می‌خوانیم که به یکی از یارانش به نام جابر فرمود: «هرگاه بخواهی بدانی در تو خیر و نیکی وجود دارد یا نه، به قلبت نگاه کن! اگر اهل اطاعت الهی را دوست می‌داری و اهل معصیت را دشمن می‌شمرد، تو انسان خوبی هستی و خدا تو را دوست دارد؛ و اگر اهل اطاعت الهی را دشمن می‌داری و اهل معصیتش را دوست می‌داری، نیکی در تو نیست و خدا تو را دشمن می‌داری و انسان با کسی است که او را دوست می‌داری» (کلینی، ۱۳۸۱، ج ۲، ص ۱۲۵).

روایت فوق، اشاره‌ی لطیفی به این واقعیت است که هر انسانی از نظر خلق و خو و صفات انسانی و در روز رستاخیز، با کسانی خواهد بود که به آنان عشق می‌ورزد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۳۷۸). پس از این حدیث چنین نتیجه می‌گیریم که تبری، بیزاری از گناه و مشرکان و نیز توکل بر خدا به حساب می‌آید و «حَبِّ فِي اللَّهِ» و «بُغْضِ فِي اللَّهِ»، هر دو در واقع به یک حقیقت اشاره دارند. طبق این دو اصل، ما موظفیم دوستان خدا را دوست و دشمنان خدا را دشمن بداریم و پیشوایان بزرگ دین یعنی پیامبر اکرم^(ص) و امامان معصوم^(ع) را در همه چیز اسوه و الگوی خود قرار دهیم و به خدا توکل کنیم (همان، ج ۲، ص ۳۶۶).

خداوند متعال می‌فرماید: «فَإِنْ عَصَوْكَ فَقُلْ إِنِّي بَرِيءٌ مِّمَّا تَعْمَلُونَ ﴿٤٦﴾ وَ تَوَكَّلْ عَلَى الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ (شعرا، ۲۱۷)؛ هرگاه قوم، فرمانت را مخالفت کردند به آنان بگو من خود از کردار بد شما بیزارم ﴿٤٦﴾ و توکل بر آن خدای مقتدر مهربان کن.»

مفسران در تفاسیر، نظرات گوناگونی درباره‌ی این آیه داده‌اند. برخی بر این باورند که «فَإِنْ عَصَوْكَ» یعنی پس از تو، در ولایت علی و ائمه^(ع) عصیان می‌شود و منظور از «فَقُلْ إِنِّي بَرِيءٌ مِّمَّا تَعْمَلُونَ» این است که معصیت در مقابل پیامبر مرده و زنده، برابر است (بحرانی، ۱۴۱۶، ج ۴، ص ۱۹۰؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵، ج ۴، ص ۵۴؛ عروسی حویزی، ۱۴۱۵، ج ۴، ص ۹۶).

برخی چنین می‌گویند: منظور از «فَقُلْ إِنِّي بَرِيءٌ مِّمَّا تَعْمَلُونَ» این است که من از کارهای زشت و ناپسند شما و پرستش بت‌ها بیزارم و برائت به معنای بیزاری جستن از یاری و دوستی آنان است (طبرسی، ۱۳۷۷، ج ۱۸، ص ۶۸؛ طوسی، بی‌تا، ج ۸، ص ۶۷). عده‌ای بر این نظرند که منظور از «فَإِنْ عَصَوْكَ فَقُلْ إِنِّي بَرِيءٌ مِّمَّا تَعْمَلُونَ» این است که اگر از تو نافرمانی کردند، تو نیز از آنان و کارهایشان بیزاری جوی (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۴، ص ۴۳۹).

همچنین خداوند متعال در جای دیگر قرآن می‌فرماید: «أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ إِنْ افْتَرَيْتُهُ فَعَلَيْ إِجْرَامِي وَأَنَا بَرِيءٌ مِّمَّا تُجْرَمُونَ (هود، ۳۵)؛ آیا قوم ایمان می‌آورند یا باز خواهند گفت: که تو از پیش خود، سخنانی فرا بافته و به دروغ به وحی خدا نسبت می‌دهی؟ بگو اگر چنین باشد، عقوبت آن گناه بر من است نه بر شما و من از کفر و گناه شما بیزارم.»

مفسران، آراء گوناگونی درباره‌ی این آیه داشته‌اند. گروهی چنین می‌گویند: منظور از «أَنَا بَرِيءٌ مِّمَّا تُجْرَمُونَ» این است که من از جرمی که شما مرتکب می‌شوید و من را به افترا زدن نسبت می‌دهید، دورم (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۳، ص ۱۳۰؛ سیوطی و محلی، ۱۴۱۶، ص ۲۲۸؛ حقی، بی‌تا، ج ۴، ص ۱۲۲؛ آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۶، ص ۲۴۷).

برخی بر این باورند: «أَنَا بَرِيءٌ مِّمَّا تُجْرَمُونَ» یعنی من به جرم و گناه شما مواخذه نخواهم

شد. این آیه درباره‌ی پیامبر اسلام^(ص) یا حضرت نوح^(ع) است که خطاب به قومشان بیان شده است (طبرسی، ۱۳۷۷، ج ۱۲، ص ۵۰؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵ ج ۲، ص ۴۴۲؛ قمی مشهدی، ۱۳۶۸، ج ۶، ص ۱۵۱؛ آل‌غازی، ۱۳۸۲، ج ۳، ص ۱۱۴).

عده‌ای بر این نظرند: که منظور از «أَنَا بَرِيءٌ مِّمَّا تُجْرِمُونَ» این است که من از گناهان شما بیزارم (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۹، ص ۸۵).

رشد و تعالی اخلاق و صفات انسانی از آثار تَبَرُّی به‌شمار می‌آیند و اهمیت ویژه و ارتباط نزدیکی باهم دارند که موجب دوری از زشتی‌ها و بدی‌ها می‌شوند.

۳-۲. هجرت از تاریکی کفر به نور ایمان

کسی که در سایه‌ی ولایت «الله» قرار گیرد، هجرتش از رذایل به فضائل و از بدی‌ها به خوبی‌ها آغاز می‌شود؛ زیرا سرمشق او در همه‌جا، صفات جلال و جمال خداست. او به‌سوی پاکی می‌رود؛ زیرا ذات مقدس خدا از هر آلودگی و نقص، پاک و منزّه است و انسان را از تاریکی کفر به نور ایمان خارج می‌کند و باعث می‌شود او به‌سوی رحمت و رأفت و جود و سخاوت پیش رود؛ زیرا ذات خداوند، رحمان و رحیم و جواد و کریم است و به همین ترتیب، حرکت به‌سوی فضائل دیگر شروع می‌شود؛ زیرا نقطه‌ی امید و مقصد و مقصود و معبود و محبوب اوست. درست عکس این حرکت، یعنی از فضائل به‌سوی رذایل رفتن از آن کسانی است که طاغوت (بت‌های بی‌شعور و بی‌خاصیت و فاقد چشم و گوش و هوش و همچنین انسان‌های طغیانگر و خودکامه) را ولی خود قرار داده‌اند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۳۷۳-۳۷۴).

تَبَرُّی آن‌چنان اهمیت دارد که در احادیث به‌عنوان ملاک و معیار تربیتی ایمان و کفر شناخته شده است. امام صادق^(ع) فرمود: «ایمان همان انجام واجبات و دوری از گناهان است. ایمان شناخت به‌وسیله‌ی قلب و اقرار به‌وسیله‌ی زبان و عمل به اعضا است و اقرار به عذاب قبر و نکیر و منکر و برانگیخته شدن پس از مرگ و [اقرار] به حساب و صراط و میزان است و ایمان به خدا وجود ندارد مگر با بیزاری از دشمنان خدا» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۰، ص ۲۲۸).

علامت بنده‌ی محبوب خدا آن است که او خدا را دوست داشته باشد و او را بر همه‌ی محبوب‌های دیگر برتری دهد و از آنچه خداوند از آن بیزار است، او هم بیزار باشد (نراقی، ۱۳۸۳، ص ۷۴۰). در کلام خداوند، تفاوت خط مؤمنان و کافران تبیین شده است؛ مؤمنان، به خدا وابسته‌اند و از صفات جمال و جلال او سرمشق می‌گیرند و کافران به طاغوت وابسته هستند و اعمال و اخلاق آن‌ها بازتابی از صفات طاغوت است.

خداوند متعال می‌فرماید: «اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَ الَّذِينَ كَفَرُوا أُولِيَاؤُهُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُونَهُم مِّنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ» (بقره، ۲۵۷)؛ خداوند، ولی و سرپرست کسانی است که ایمان آورده‌اند؛ آنان را از تاریکی‌ها به‌سوی نور خارج می‌سازد؛ (اما) کسانی که کافر شدند، اولیای آنان طاغوت‌ها هستند که آنان را از نور، به‌سوی تاریکی‌ها بیرون می‌برند. آنان اهل آتش هستند و همیشه در آن خواهند ماند.»

در این آیه، خارج شدن از تاریکی به نور، به صورت نتیجه‌ی ولایت خداوند بر مؤمنان ذکر شده است و خروج از نور به سوی تاریکی‌ها از آثار ولایت طاغوت، نور و ظلمت در این آیه، معنی گسترده‌ای دارد که همه‌ی نیکی‌ها و بدی‌ها، خوبی‌ها و زشتی‌ها و فضائل و رذایل را شامل می‌شود.

در تفاسیر، مفسران آراء گوناگونی درباره‌ی این آیه ارائه داده‌اند. برخی بر این باورند که منظور از «اللَّهُ وَلِي الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ» این است که خدا یاری‌کننده و دوست‌دار و سرپرست مؤمنان است و آنان را به نور ایمان و یقین هدایت می‌کند و منظور از «وَالَّذِينَ كَفَرُوا أُولِيَاؤُهُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُونَهُم مِّنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ» این است که شیاطین یا بت‌ها یا دیگر گمراهان سرپرست کافران هستند و آنان را به گمراهی سوق می‌دهند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۳۳۴؛ همان، ۱۳۷۷، ج ۳، ص ۱۱۶؛ طبری، ۱۴۱۲، ج ۳، ص ۱۵؛ فخر رازی، بی‌تا، ج ۷، ص ۱۹؛ حقی، بی‌تا، ج ۱، ص ۴۰۹؛ آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۱۵؛ ابن عاشور، بی‌تا، ج ۲، ص ۵۰۳؛ بیضاوی، ۱۴۱۸، ج ۱، ص ۱۵۵). سیوطی درباره‌ی «اللَّهُ وَلِي الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ» از ابن عباس نقل کرده است: آنان کسانی بودند که به عیسی^(ع) کفر ورزیدند و به محمد^(ص) ایمان آوردند و درباره‌ی «وَالَّذِينَ كَفَرُوا أُولِيَاؤُهُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُونَهُم مِّنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ» می‌گوید: آنان کسانی بودند که به عیسی^(ع) ایمان داشتند و پس از بعثت محمد^(ص)، به پیامبر اسلام^(ص) کفر ورزیدند (سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۳۳۰).

پس در آثار تربیتی تبری، خط مؤمنان و کافران مشخص شده است و سبب خروج از تاریکی کفر به نور ایمان است. مؤمنان، به خدا و حق وابسته‌اند و از صفات جمال و جلال و کمال او سرمشق می‌گیرند و کافران به طاغوت وابسته هستند و اعمال و اخلاق آنان بازتابی از صفات طاغوت و باطل است.

۴-۲. مکمل ایمان

تکمیل ایمان یکی دیگر از آثار مثبت تربیتی تبری است که پیوند دوستی با اولیاءالله و دوستان خدا و بیزاری از دشمنان حق را دارد. این اثر مثبت هم در تهذیب اخلاق و هم در پاکی اعمال و تقوا ظاهر می‌شود.

در حدیثی از امام باقر^(ع) می‌خوانیم که رسول خدا^(ص) فرمود: «محبّت مؤمن نسبت به مؤمن به خاطر خدا از بزرگ‌ترین شاخه‌های ایمان است. آگاه باشید که به خاطر خدا دوست بدارد و به خاطر خدا دشمن بدارد، به خاطر خدا ببخشد و به خاطر خدا از بخشش خودداری کند، او از برگزیدگان خداست!» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۶، ص ۲۴۰).

در بعضی از احادیث از تولی و تبری به عنوان کامل‌کننده ایمان نامبرده شده است. در حدیثی امام صادق^(ع) می‌فرماید: «کسی که به خاطر خدا دوست بدارد و به خاطر خدا دشمن بدارد و به خاطر خدا ببخشد و به خاطر خدا بخشش را ترک کند، او از کسانی است که ایمانش کامل شده است» (کلینی، ۱۳۸۱، ج ۲، ص ۱۲۴-۱۲۵). پس «تبری و بغض فی‌الله» آن است که کسی دیگری را دشمن داشته باشد به این علت که مرتکب معصیت خدا می‌شود و با او مخالفت می‌کند (نراقی، ۱۳۸۳، ص ۷۲۴).

محبت با اولیاء الله و دشمنی با اعداء الله سرچشمه‌ی اعمال خوب و پرهیز از اعمال زشت است. در حدیثی از امام علی بن الحسین^(ع) می‌خوانیم: هنگامی که خداوند متعال اقوام اولین و آخرین را (در قیامت) جمع کند، ندادهنده‌ای ندا می‌دهد، به گونه‌ای که به گوش همه مردم برسد، می‌گوید: کجا هستند آنانی که به خاطر خدا همدیگر را دوست داشتند؟ فرمود: در این هنگام گروهی از مردم برمی‌خیزند و به آنان گفته می‌شود: بدون حساب به سوی بهشت بروید! فرمود: در این هنگام، فرشتگان الهی از آنان استقبال می‌کنند، می‌گویند: به کجا می‌روید؟ می‌گویند: به بهشت بدون حساب! می‌گویند: شما از کدام گروه مردم هستید؟ می‌گویند: ما کسانی هستیم که به خاطر خدا یکدیگر را دوست می‌داشتیم. می‌گویند: اعمال شما چه بود؟ می‌گویند: ما به خاطر خدا گروهی را دوست می‌داشتیم و به خاطر خدا گروهی را دشمن می‌داشتیم. فرشتگان می‌گویند: چه خوب است پاداش عمل‌کنندگان! «(کلینی، ۱۳۸۱، ج ۲، ص ۱۲۶). تعبیر روایت فوق نشان می‌دهد که محبت با اولیاء الله و دشمنی با اعداء الله سرچشمه‌ی اعمال نیک و پرهیز از اعمال بد است. در بعضی از روایات، تأکید بر تولی و تبری به عنوان پیروی از ائمه^(ع) و اساس دین نام‌برده شده است. امام باقر^(ع) در این باره می‌فرماید: «از اساس دین، دوستی با دوستان اهل بیت^(ع) و دشمنی با دشمنان ایشان و پیروی و متابعت آنان است» (همان، ص ۱۸).

پس کسی که تولی و تبری دارد، باید در ظاهر و باطن و پنهان و آشکار، طرفدار و دوستدار راه خدا و دوستان خدا و مراقب اعضای بدن و هوای نفس باشد و از گمراهی و زشتی‌ها و بدی‌ها دوری کند که خود نکته‌ای تربیتی است (شیر، ۱۴۱۸، ص ۳۰۲).

در فرازی از زیارت عاشورا می‌خوانیم: «وَ بِالْبَرَاءَةِ مِنْ أَعْدَائِكُمْ وَ النَّاصِيَةِ لَكُمْ الْحَرْبِ وَ بِالْبَرَاءَةِ مِنْ أَشْيَاعِهِمْ وَ اتِّبَاعِهِمْ؛ و با دوری جستن از دشمنان و کسانی که جنگ با شما را بر پا کردند و براءت از پیروان و ادامه‌دهندگان راهشان». در این فراز، زائر تنفّر از چهار گروه را به جان خویش تلقین می‌کند. این چهار گروه عبارت‌اند از: ۱. دشمنان اهل بیت^(ع)؛ ۲. کسانی که با ایشان جنگیدند؛ ۳. پیروان دشمنان؛ ۴. کسانی که ادامه‌دهنده راه دشمنان ایشان‌اند و تا قیامت، پایه‌های باطل را تقویت می‌کنند (ثقفی تهرانی، ۱۳۸۴، ص ۲۱۵).

هر انسانی، کانون مهر و خشم است؛ یعنی به اموری علاقه می‌ورزد و از اموری بیزار است. گاهی مهر می‌ورزد و گاهی خشمگین می‌شود: اگر آدمی به کسی یا چیزی مهر ورزید، نمی‌تواند از مخالف آن نیز خرسند باشد؛ بنابراین، معنای دوستی، دور شدن از طرف مقابل آن است. کینه و تنفّر سرگردان و کور و یا شخصی و یا به خاطر مسائل حقیر دنیایی، در فرهنگ دینی ما، بسیار مذموم و ناپسند است (همان، ص ۲۱۶).

ابراز تنفّر، در این زیارت، به سبب شناخت اهریمن درونی و بیرونی و پاک کردن خود، از آن‌هاست. در این زیارت، زائر در مرحله تنفّر و کینه نمی‌ماند، بلکه از آن مرحله عبور می‌کند. آن‌انزجار مقدمه‌ای برای آویختن به بندگی خدا و دوستی اهل بیت^(ع) است؛ زیرا ابراز ناخرسندی از همه‌ی فاسدان و مفاسدشان، برای رسیدن به سوی مخالف، یعنی تکمیل ایمان و بارگاه الهی و تقرّب به اهل بیت^(ع) است.

تبری پیاپی، طبعاً دشمنی و نفرت خواننده‌ی زیارت عاشورا را به آن ستمگران و پیروانشان برمی‌انگیزد که همیشه یافت می‌شود و شعله‌ی خشم مقدسی را بر ضد هر تجاوز و حق‌کشی و بی‌عدالتی در دلش روشن نگاه می‌دارد و قهری آشتی‌ناپذیر را با هر گناه و ستم و پلیدی در وجودش بر جا می‌گذارد و طبیعی است که چنین زائری، خود هیچ‌گاه به خیانت و جنایت آلوده نخواهد شد و این مکمل ایمان، به‌عنوان اثر تربیتی و عملی تبری است.

۵-۲. همگونی در اخلاق و رفتار

محکم‌ترین پیوند در میان انسان‌ها، پیوند مکتبی است که سبب و باعث همگونی در اخلاق و رفتارهای انسانی می‌شود. بدیهی است آنان که یکدیگر را به خاطر خدا دوست بدانند، صفات و افعال خدایسندانه را در یکدیگر می‌بینند و همین حبّ فی الله و بغض فی الله گام مؤثری برای تربیت نفوس آنان است و به‌عنوان برترین اعمال به‌شمار می‌رود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۳۸۰). در حدیثی، پیغمبر اکرم^(ص) فرمود: «اگر دو بنده (از بندگان خدا) یکدیگر را برای خدا دوست بدانند، یکی در مشرق باشد و دیگری در مغرب، خداوند آن دو را در قیامت در بهشت کنار هم قرار می‌دهد و فرمود: برترین اعمال حبّ فی الله و بغض فی الله است» (کلینی، ۱۳۸۱، ج ۲، ص ۱۸). محبت و نیکی برای خدا، نسبت به هرکس که باشد، به سبب نزدیکی و کمال الهی است؛ پس چون محبت برای خدا است، دشمنی هم باید برای حق تعالی باشد تا انسان به بالاترین درجه‌ی ایمان و یقین برسد (شیر، ۱۴۱۸، ص ۲۹۹).

در حدیث قدسی آمده است خداوند به موسی^(ع) فرمود: «آیا هرگز عملی برای من انجام داده‌ای؟ موسی عرض کرد: آری! برای تو نماز خوانده‌ام، روزه گرفته‌ام، انفاق کرده‌ام و به یاد تو بوده‌ام. فرمود: اما نماز برای تو نشانه‌ی (ایمان) است و روزه سپر آتش و انفاق سایه‌ای در محشر و ذکر خدا نور است. کدام عمل را برای من به‌جا آورده‌ای ای موسی؟ عرض کرد خداوند! خودت مرا در این باره راهنمای فرما! فرمود: آیا هرگز به خاطر من کسی را دوست داشته‌ای و به خاطر من کسی را دشمن داشته‌ای؟ (در اینجا بود که) موسی^(ع) دانست برترین اعمال حبّ فی الله و بغض فی الله (دوستی برای خدا و دشمنی برای خدا) است» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۶، ص ۲۵۲).

پس یکی از اثرات تبری، همگونی در اخلاق و رفتار است که موجب تهذیب نفس و تکامل انسانی و تقرب الهی او می‌شود و این اثر مبتنی بر توحید خالص که از امتیازات قرآن کریم و از ویژگی‌های دین مبین اسلام است، باید با عنایت ویژه نگریسته شود.

۶-۲. مشخص شدن دوستان خدا از دشمنان او

محاربه با اولیای خدا یعنی دشمنی مطلق با دوستان خدا و این به معنای ارتکاب گناه کبیره است و چون آل پیامبر^(ص) در رأس مقام دوستان خدایند؛ پس تعرض به حق دوستان خدا به معنای تعرض به حق آل پیامبر اکرم^(ص) است و شخص شایسته‌ی دوزخ می‌شود (دستغیب، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۲۵۶). انسان با تبری، محدوده‌ی خود را به‌منظور دوستی و دشمنی خدا و اولیای الهی مشخص

می‌کند و موجب جدا شدن و مشخص شدن مرز دوستان خدا از دشمنان آن می‌شود. امام صادق می‌فرماید: «روز قیامت منادی ندا می‌کند: کجایند کسانی که متعرض و مزاحم دوستان من شدند؟ پس مردمی برخیزند که چهره‌ی ایشان گوشت ندارد. گفته می‌شود: ایشان کسانی هستند که مؤمنین را آزرده‌اند و در برابر ایشان ایستادند و با آنان دشمنی ورزیدند و در دینشان سخت گرفتند. پس امر می‌شود که ایشان را به دوزخ برند» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۶، ص ۳۵۱). در فرازی از زیارت عاشورا می‌خوانیم: «أَتَى ... حَرْبٌ لِمَنْ حَارَبَكُمُ الی یَوْمِ الْقِیَامَةِ؛ همانا من ... در جنگ و جهادم با هر کس که با شما در جنگ است؛ یعنی با همه‌ی وجودم، پندبندم با دشمن شما در ستیز است و همان‌گونه که شما با آنان در جنگ و دشمنی بودید، من هم با آنان دشمن هستم و از آنان بیزارم.

در این فراز، زائر می‌آموزد که تا قیامت، ملاک فضیلت و رذیلت و حق و باطل، صحنه‌ی عاشورا است و از این فراز، راه و روش زیست را می‌آموزد. او با تمام وجودش، به اولیای الهی ارادت می‌ورزد و هیچ سازشی با فرهنگی ندارد که مقابل آنان ها قرار می‌گیرد. کسی که دل‌داده‌ی عاشورا است، هنر عشق ورزیدن را به‌خوبی می‌داند و زیبایی‌های زندگی را درک می‌کند و می‌داند با چه کسی باید نرد عشق باخت و با چه کسی نباید! زائر، با تمام وجود، شیفته‌ی خوبی‌هاست و همه‌ی وجودش در راه بندگی خدا و تربیت اسلامی خویش است (تقفی تهرانی، ۱۳۸۴، ص ۲۰۱).

در کتب اهل سنت، نقل‌شده است که جمله‌ی موردبحث، از سخنان پیامبر^(ص) است که به علی^(ع) فاطمه^(ص) و حسن^(ع) و حسین^(ع) می‌فرمودند: «إِنِّي سَلَّمْتُ لِمَنْ سَأَلْتُمْ وَ حَرَبْتُ لِمَنْ حَارَبْتُمْ» (ترمذی، بی‌تا، ج ۵، ص ۳۸۷).

پس از دیگر آثار تربیتی تبری، مشخص شدن دوستان خدا از دشمنان اوست. دشمنی با دشمنان خدا و اولیای الهی باید برای خداوند متعال و در راه احیای ارزش‌های دینی و اسلامی باشد تا این امر، محدوده و مرز میان دشمنی و دوستی را مشخص کند.

۳. تبری در کتب اهل سنت

چگونه ممکن است تبری را از کسی که مستحق آن است مضایقه کنیم؟ در مسئله‌ی تولی و تبری، شیعه و سنی با یکدیگر اختلاف نظر ندارند و در کتب اهل سنت، منصفان آنان روایات مربوط به تبری را نقل می‌کنند و ما هم به نقل چند روایت می‌پردازیم:

ابن‌اثیر نقل می‌کند که پیغمبر اکرم^(ص) به علی^(ع) خطاب کرد و فرمود: «یا علی! خداوند تو را به چیزهایی زینت داد که پیش بندگان او زینتی از آنها محبوب‌تر نیست: زهد و کناره‌گیری از دنیا، آن‌چنان قرار داد که نه تو از دنیا چیزی بهره‌مند شوی و نه آن از تو، به تو بخشید دوستی مسکینان را، آنان به امامت و رهبری تو خشنودند و تو نیز به پیروی آنان از تو، خوشا به حال کسی که تو را دوست بدارد و در دوستی‌ات راستین باشد، وای به حال کسی که با تو دشمنی کند و بر ضد تو دروغ بگوید» (ابن‌اثیر، ۱۴۰۹، ج ۴، ص ۲۳).

پس از حدیث فوق چنین نتیجه می‌گیریم تبری از زمان پیامبر اکرم^(ص) وجود داشته است.

پیامبر^(ص) در برخی روایات، تبری از دشنام‌دهنده‌ی امام علی^(ع) را به خود نسبت می‌دهد؛ از جمله اینکه سیوطی آورده است: پیامبر^(ص) فرمود: «هر کس علی^(ع) را دشنام دهد، مرا دشنام داده است» (سیوطی، ۱۴۱۱، ص ۶۷). در دیگر کتب اهل سنت آمده که پیامبر اکرم^(ص) فرمود: «هر کس علی را بیازارد، همانا مرا آزرده است» (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۷، ج ۳، ص ۱۲۱؛ احمدبن حنبل، بی‌تا، ج ۳، ص ۴۸۳). تشبیه آزردن امام علی^(ع) به آزردن پیامبر^(ص)، خود نشانه‌ی توئی و تبری پیامبر^(ص) است. در بعضی از روایات، بیزاری پیامبر^(ص) از آزاردهنده‌ی حضرت فاطمه^(ص) ذکر شده است. پیامبر اکرم^(ص) در این باره فرمود: «فاطمه پاره تن من است. مرا آزرده، آن کس که او را بیازارد» (مسلم، ۱۴۱۵، ج ۷، ص ۱۴۱؛ احمدبن حنبل، بی‌تا، ج ۴، ص ۵). اصل روایات یادشده، برگرفته از آیه‌ی شریفه‌ای است که خداوند در آن می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ يُؤْذُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا مُّهِينًا (احزاب، ۵۷)؛ بی‌گمان کسانی که به خدا و پیامبر او آزار می‌رسانند، خدا آنان را در دنیا و آخرت، لعنت کرده و برایشان عذابی خفت‌آور آماده ساخته است.»

در برخی روایات آمده است که مبغض اهل‌بیت^(ع) کافر می‌میرد. پیامبر اکرم^(ص) فرمود: «هر کس که بر دشمنی آل محمد بمیرد، کافر مرده است» (فخر رازی، بی‌تا، ج ۲۷، ص ۱۶۶).

در بعضی از روایات آمده است دشمن اهل‌بیت^(ع) از ورود به بهشت منع می‌شود. پیامبر اکرم^(ص) می‌فرماید «هر کس که بر دشمنی آل محمد بمیرد، بوی بهشت را استشمام نخواهد کرد» (همان).

از آیات و احادیث بالا استفاده می‌شود که در اسلام حساب مهمی برای حب فی الله و بغض فی الله باز شده است؛ تا آنجا که به‌عنوان افضل اعمال و نشانه‌ی کمال ایمان معرفی شده و صاحبان این صفت، پیشگامان در بهشتند و مقاماتی دارند که انبیاء و شهدا به حال آنان غبطه می‌خورند.

این تعبیرات، از نقش مهم مسئله‌ی ولایت و توئی و تبری، در همه‌ی برنامه‌های دینی و الهی و تربیت اسلامی پرده برمی‌دارد. علت آن هم روشن است؛ زیرا انسان پیشوایان بزرگ را به سبب ایمان و تقوا و فضائل اخلاقی و اعمال صالحه دیگر دوست می‌دارد. باین حال، چگونه ممکن است به آنان تأسی نکند و همگام و همدل و هم‌رنگ نشود؟

این همان است که علمای اخلاق از آن به‌عنوان یک اصل اساسی در تهذیب و تربیت نفوس یاد کرده‌اند و پیروی و اقتدا کردن به انسان کامل را شرط موفقیت در سیر و سلوک الی الله می‌دانند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۳۸۱).

پس تبری در عقاید اهل سنت نیروی بسیار عظیمی است که اگر در حدّ کمال در وجود انسان یافت شود، اثر افزونی خواهد داشت که می‌تواند همه‌ی قوا را در اختیار بگیرد و به‌سوی محبوب اصلی- که همان خداوند متعال است- سوق دهد.

نتیجه‌گیری

از مقاله‌ی حاضر نتایج ذیل به دست آمد:

۱. تبری از آموزه‌های اعتقادی و رفتاری و به معنای دوری جستن از دشمنان خدا است. این

اصطلاح از قرآن کریم گرفته شده است و کاربردهای فراوانی دارد و به معنای تبری جستن از امامان گمراهی از پیروان خود در قیامت و آرزوی پیروان ایشان برای بازگشت به دنیا برای تبری جستن از آن امامان است. این اصل قرآنی و اسلامی و نبوی، در همه‌ی مسائل زندگی انسان، اعم از مسائل فردی و اجتماعی و دنیوی و اخروی و... تأثیر مستقیم دارد.

۲. در منابع دینی اسلامی به‌ویژه شیعی، این واژه به معنای بیزاری جستن و فاصله گرفتن از طاغوت، باطل، بت‌ها، پیشوایان باطل و گمراه، شرک و بت‌پرستی و بیزاری از دشمنان اولیاء الهی به کار می‌رود. بر پایه‌ی این اعتقاد، امامان نگه‌دارنده‌ی دین از تحریف و دگرگونی در عقاید و اعمال‌اند و دشمنان آنان کسانی هستند که مانع تحقق امامت و درواقع، مانع تحقق صورت ناب و حقیقی اسلام بودند و یا با اهل‌بیت پیامبر کینه‌توزی داشته‌اند و این دشمنان درواقع دشمنان خدایند و تبری از آنان واجب است.

۴. برخی از آثار تربیت اسلامی تبری در آموزه‌های قرآن و حدیث عبارتند از: تقویت ایمان، تعالی اخلاق و صفات انسانی و دوری از زشتی‌ها، هجرت از تاریکی کفر به نور ایمان، مکمل ایمان، همگونی در اخلاق و رفتار و مشخص شدن دوستان خدا از دشمنان او که این آثار سبب عروج و قرب الهی و تبعیت از اهل‌بیت^(ع) می‌شوند. زیارت‌هایی که از ائمه معصومین^(ع) [به‌ویژه زیارت عاشورا] به‌جای مانده، سندی است که شیعیان با خواندنشان، برائت و دشمنی خود را نسبت به ظالمان در حق ائمه اطهار^(ع) اظهار می‌دارند.

منابع

- قرآن کریم؛ ترجمه‌ی ناصر مکارم شیرازی.
- ابوالفتوح رازی، حسین بن علی؛ روح الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن؛ مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۴۰۸ ق.
- آل‌غازی، ملا حویش عبدالقادر؛ بیان المعانی؛ دمشق، مطبعة الترقی، ۱۳۸۲ ق.
- آلوسی، سید محمود؛ روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم؛ بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ ق.
- ابن اثیر، عزالدین؛ اسد الغابة فی معرفة الصحابة؛ بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۹ ق.
- ابن عاشور، محمد بن طاهر؛ التحریر والتنویر؛ بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.
- ابن فارس، احمد؛ معجم مقاییس اللغة؛ قم، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ ق.
- بحرانی، سید هاشم؛ البرهان فی تفسیر القرآن؛ تهران، بنیاد بعثت، ۱۴۱۶ ق.
- بیطرفان، فاطمه سادات؛ «بررسی تطبیقی روش تربیتی مبتنی بر محبت در آموزه‌های اسلام و مسیحیت»؛ قم، پژوهش‌های معنوی، پژوهش‌کده باقرالعلوم (علیه السلام)، ۱۳۹۶ ش.
- بیضاوی، عبداللہ بن عمر؛ أنوار التنزیل و أسرار التأویل؛ بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۸ ق.
- ترمذی، محمد بن عیسی؛ سنن؛ بیروت، دارالکتب العلمیه، بی‌تا.
- ثقفی تهرانی، حسن؛ ترجمه و شرح زیارت عاشورا تلخیص و نظری تازه بر کتاب شفاء الصدور فی شرح زیارة العاشور؛ تهران، هاد، ۱۳۸۶ ش.
- حاکم نیشابوری، ابوعبدالله؛ المستدرک علی الصحیحین؛ بی‌جا، دارالحرمین للطباعة و النشر، ۱۴۱۷ ق.
- حقی بروسوی، اسماعیل؛ تفسیر روح البیان؛ بیروت، دارالفکر، بی‌تا.
- دستغیب، عبدالحسین؛ گناهان کبیره؛ قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۵ ش.
- راغب اصفهانی، ابوالقاسم الحسین بن محمد بن فاضل؛ المفردات فی غریب القرآن؛ مصر، دفتر نشر الکتاب، ۱۴۰۴ ق.
- سید قطب، إبراهیم حسین؛ فی ظلال القرآن؛ بیروت، دارالشروق، ۱۴۱۲ ق.
- سیوطی و محلی، جلال‌الدین؛ تفسیر الجلالین؛ بیروت، مؤسسه النور للمطبوعات، ۱۴۱۶ ق.
- سیوطی، جلال‌الدین؛ تاریخ الخلفاء؛ قم، منشورات رضی، ۱۴۱۱ ق.
- _____؛ الدر المنثور فی تفسیر المأثور؛ قم، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ ق.
- شبر، سید عبدالله؛ الاخلاق؛ قم، مطبعه امیر، ۱۴۱۸ ق.
- شیانی مروزی، احمد بن حنبل؛ مسند؛ بیروت، دار صادر، بی‌تا.
- طباطبایی، سید محمد حسین؛ تفسیر المیزان؛ قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۷ ش.
- طبرسی، فضل بن حسن؛ تفسیر جوامع الجامع؛ تهران، دانشگاه تهران و مدیریت حوزه علمیه قم، ۱۳۷۷ ش.
- _____؛ مجمع البیان فی تفسیر القرآن؛ تهران، ناصر خسرو، ۱۳۷۲ ش.
- طبری، ابوجعفر محمد بن جریر؛ جامع البیان فی تفسیر القرآن؛ بیروت، دار المعرفه، ۱۴۱۲ ق.
- طوسی، محمد بن حسن؛ التبیان فی تفسیر القرآن؛ بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی‌تا.
- عبدالباقی، محمد فواد؛ معجم المفهرس لالفاظ القرآن الکریم؛ تهران، اسلامی، ۱۳۷۴ ش.

- عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه؛ تفسیر نور الثقلین؛ قم، اسماعیلیان، ۱۴۱۵ ق.
- علم الهدی، جمیله؛ مبانی تربیت اسلامی و برنامه ریزی درسی بر اساس فلسفه صدر؛ تهران، دانشگاه امام صادق علیه السلام، ۱۳۸۴ ش.
- فخر رازی، محمد بن عمر؛ تفسیر مفاتیح الغیب؛ بیروت، دارالمعرفة، بی تا.
- فراهیدی، خلیل بن احمد؛ العین؛ بی جا، موسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۴ ق.
- فیروزآبادی، مجدالدین محمد بن یعقوب؛ القاموس المحيط؛ بیروت، موسسه الرساله، ۱۴۱۹ ق.
- فیض کاشانی، ملا محسن؛ تفسیر الصافی؛ تهران، الصدر، ۱۴۱۵ ق.
- القشیری نیسابوری، مسلم بن حجاج؛ صحیح؛ بی جا، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ ق.
- قمی مشهدی، محمد بن محمد رضا؛ تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب؛ تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸ ش.
- کلینی رازی، ابی جعفر محمد بن یعقوب؛ کافی؛ تهران، اسوه، ۱۳۸۱ ش.
- مجلسی، محمد باقر؛ بحار الانوار لدرر اخبار الائمة الطهار؛ بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
- مصدقیان، حسین علی؛ شرحی بر زیارت عاشورا [تحلیلی، تاریخی]؛ اصفهان، کهن دژ، ۱۳۸۳ ش.
- مطهری، مرتضی؛ مجموعه آثار استاد شهید مطهری (۳)؛ تهران، صدر، ۱۳۷۰ ش.
- مکارم شیرازی و دیگران، ناصر؛ اخلاق در قرآن؛ قم، مدرسه الامام علی بن ابیطالب، ۱۳۷۸ ش.
- _____؛ تفسیر نمونه؛ تهران، دار الکتب الإسلامیه، ۱۳۷۴ ش.
- نراقی، ملا احمد؛ معراج السعاده؛ قم، هجرت، ۱۳۸۳.